

گزیده‌ای از پیام‌های بیت العدل اعظم

بیت العدل اعظم از طریق پیام‌های خود خطاب به جامعه جهانی بهائی، تحلیل، هدایت و بینشی ارائه می‌دهند تا جوامع بهائی بتوانند هر چه موثرتر در ساختن تمدنی جهانی مشارکت کنند. این پیام‌ها وحدت فکر و عمل در این جامعه را تضمین می‌نمایند و به موضوعات متنوعی می‌پردازند از جمله: رشد و بالندگی جامعه بهائی، تلاش‌های این جامعه برای مشارکت در حیات اجتماع و وضعیت پیشرفت پروژه‌ها و برنامه‌های مشخص. همچنین بیت العدل اعظم در برخی موارد پیام‌هایی خطاب به کل اجتماع صادر می‌نمایند و درباره مسائل اساسی و مهم مرتبط با سعادت و رفاه کره ارض دیدگاه‌هایی ارائه می‌دهند. در این قسمت بخش‌های کوتاهی از پیام‌های بیت العدل اعظم آورده شده است. مجموعه کامل‌تری از این پیام‌ها در کتابخانه بهائی در دسترس است.

تساوی حقوق زن و مرد برای شما امری ساخته و پرداخته دنیای غرب نیست بلکه حقیقتی روحانی و همگانی و جنبه‌ای از ماهیت نوع انسان است که صد و پنجاه سال پیش حضرت بهاءالله آن را در وطن خویش، ایران، تعلیم فرمودند. احترام به حقوق زنان و پذیرفتن برابری آن با حقوق مردان از مستلزمات عدالت اجتماعی و موجب تقویت و استحکام زندگی خانوادگی است و با متعالی‌ترین مراتب تنزیه و تقدیس هماهنگ می‌باشد. رفع موانع ترقی اجتماعی زنان شرطی اساسی برای احیا و اعتلای هر ملت، و رکنی از ارکان صلح عمومی و عاملی بنیادی برای پیشرفت تمدن بشری است....

...باید برای غلبه یافتن بر آن سنن فرهنگی که پیشرفت زنان را محدود می‌سازد همچنان به مساعی خود ادامه دهید. دستیابی کامل به هدف تساوی واقعی بین زن و مرد کار آسانی نیست و تقلیب و تغییر و تحولات همه جانبه لازم، هم برای مردان و هم برای زنان، امری بس دشوار است. بنابراین صمیمانه توصیه مینماییم که برای درک بیشتر و عمیقتر این اصل مهم به کوشش‌های خود ادامه دهید و سعی نمایید که آن را در زندگی خانوادگی و در حیات جامعه خود بیش از پیش منعکس سازید....

پیام خطاب به بهائیان ایران ۳۱ خرداد ۱۳۸۷

نور منیری که همیشه رهنمون مجهودات شما بوده و هست، اصل وحدت عالم انسانی، محور اساسی تعالیم حضرت بهاءالله می‌باشد. به نونهالان خود از آغاز زندگی این بیان مبارک را آموخته اید که میفرماید: «سرپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار». همیشه بر این باور بوده اید که تعصب را نمی‌توان با دوری گزیدن از دیگران و عناد مقابله نمود، بلکه باید با نیروی محبت و نوع دوستی بر آن چیره شد. به این حقیقت واقفید که بنیاد تعصب جهل و نادانی است و غلبه بر آن مستلزم نشر انوار دانش و بینش و در

عین حال عمل و پشتکار است چون یکی از مؤثرترین طرق فایق گشتن بر تعصبات همکاری و همگامی افراد مختلف برای نیل به اهدافی والا و مشترک می‌باشد. شما می‌دانید که اصل وحدت عالم انسانی که مورد نظر حضرت بهاء‌الله می‌باشد با تحمیل یکنواختی مغایر است. شعارش وحدت در کثرت است، پذیرفتنش به معنای در بر گرفتن تنوع تمامی نوع بشر است، و ترویجش مستلزم ایجاد امکانات برای شکوفایی استعدادهای ذاتی هر فرد است که در حقیقت او به ودیعه گذاشته شده است.

پیام خطاب به بهائیان ایران ۷ مرداد ۱۳۸۷

جهان بشری در چنگ قوای تخریب‌کننده و زیان‌آور گرفتار و مبتلا است. مکتب ماتریالیسم غرب که حال به تمام نقاط گیتی سرایت نموده، توسعه فرهنگ مصرف‌گرایی را وسیله‌ای لازم برای استحکام اقتصاد جهان و تأمین رفاه نسل انسان می‌داند، مصرف در جهت ارضای امیال شخصی و تمتع از لذات نفسانی را با مهارت و زیرکی ترویج می‌دهد و صرف ثروت در راه مخاصمات اجتماعی و تداوم آن را جایز می‌شمرد. در سخافت این دیدگاه تفکر نمایید. فلسفه رو به گسترش بنیادگرایی دینی با فهم بسیار محدود خود از دین و از مبادی روحانی عقاید خشک مذهبی را رواج می‌دهد، در مواردی رهایی جهان از مشکلات موجود را مشروط به وقوع رویدادهایی خرافی و غیر معقول می‌داند، از یک طرف تظاهر به تقوی را ترویج می‌کند و از طرف دیگر در عمل، حرص و آز و اجحاف و ظلم را در جامعه شیوع می‌دهد. از جمله نتایج و اثرات اسفناک این قوای ویران‌گر سردرگمی شدید جوانان، نومیدی نیروهای فعال لازم برای پیشرفت جامعه و بروز مشکلات بی‌شمار کنونی است. کلید نجات از این مصائب اجتماعی در دست نسل جوانی است که به شرافت نوع انسان معتقد بوده اشتیاقی وافر برای درک هدف واقعی عالم هستی داشته باشد، بین تدین حقیقی و خرافات مذهبی فرق قائل شود، علم و دین را دو نظام دانایی مستقل اما مکمل یکدیگر و محرک پیشرفت نوع انسان شمرد، زیبایی و کارایی وحدت در کثرت را درک کرده آن را با آغوش باز بپذیرد، سعادت و عزت خود را در خدمت به هموطنان و دیگر مردم جهان ببیند و مقبولیت ثروت را موکول به کسب عادلانه و مصرف آن در امور خیریه و در راه ترویج معارف و علوم و تأمین منافع عمومی بداند....

پیام خطاب به بهائیان ایران ۱۳ فروردین ۱۳۸۹

با قلبی سرشار از محبت و اشتیاق، فرا رسیدن عید سعید نوروز را به آن عاشقان جمال رحمان و همه ایرانیان پاکجان تبریک می‌گوییم. بهار ظاهری به فرموده حضرت عبدالبهاء نمادی است از بهار روحانی و همان گونه که این تجدید فصل به عالم طبیعت جانی تازه و صفایی بی‌اندازه می‌بخشد، در این عصر جدید روحانی نیز پرتو انوار یزدانی بر قلوب صافی می‌تابد، نسائم روح‌پرور الهی بر گلزار افنده منیره می‌وزد و سبب آگاهی و بیداری نفوس هوشمند و نیک‌اندیش می‌گردد.

پیام خطاب به بهائیان ایران نوروز ۱۳۹۱

... همان گونه که از مطالعه آثار بهائی دریافته‌اید، اصل یگانگی نوع انسان که نشانه بارز دوران بلوغ اوست باید در تمام جوانب حیات اجتماعی تجلی کند. تعلق نوع انسان به یک قوم واحد که زمانی با ناباوری تلقی می‌شد امروزه به طور وسیع مورد پذیرش است. ردّ تعصبات عمیق دیرینه و حسّ روزافزون شهروندی جهانی از جمله نشانه‌های این آگاهی رو به تزاید است. هرچند این آگاهی امیدبخش است ولی باید آن را صرفاً به منزلهٔ اولین قدم در فرایندی شمرد که تنها با گذشت سال‌ها بلکه قرن‌ها تکامل خواهد یافت زیرا اصل یگانگی نوع بشر که حضرت بهاءالله مقتضیات آن را اعلان فرموده‌اند فقط خواهان همکاری در بین مردمان و ملت‌ها نیست بلکه مستلزم نواندیشی کامل در بارهٔ روابطی است که به اجتماع تداوم می‌بخشد. بحران فزایندهٔ محیط زیست که محرک آن نظامی است که تاراج منابع طبیعی را برای ارضای زیاده‌طلبی بی‌پایان بشری نادیده می‌گیرد گویای آنست که تصوّر کنونی نوع انسان از روابطش با طبیعت تا چه حدّ نارسا است؛ وخامت اوضاع خانواده همراه با افزایش نقض مداوم حقوق زنان و کودکان در سراسر جهان روشن‌گر آنست که عقاید کوتاه‌نظرانه‌ای که امروزه روابط خانوادگی را توصیف می‌کند تا چه اندازه فراگیر است؛ تداوم استبداد از یک سو و بی‌اعتنایی روزافزون مردم جهان به مرجعیت مشروع از سوی دیگر روشن می‌سازد که ماهیت روابط کنونی موجود میان فرد و نهادهای اجتماع برای بشریتی رو به بلوغ چقدر غیر قابل قبول است؛ تمرکز ثروت در دست گروهی کوچک از سکنهٔ کرهٔ زمین نشان می‌دهد که روابط بین بخش‌های گوناگون اجتماع که اکنون به صورت جامعه‌ای جهانی در آمده چگونه از بنیان به غلط طرح‌ریزی شده است. اصل یگانگی نوع بشر مستلزم تغییری بنیادین در تار و پود ساختار اجتماع در سراسر عالم است.

بهائیان بر این باور نیستند که تقلیب و تحولات مورد نظر تنها از طریق مساعی آنان صورت خواهد گرفت و همچنین به دنبال ایجاد نهضتی نیستند که بینش خود را نسبت به آینده بر اجتماع تحمیل نماید. هر ملت و هر گروه و در حقیقت هر فرد، به فراخور توان و استعداد خود به ایجاد تمدنی جهانی که نوع بشر قطعاً به سوی آن پیش می‌رود کمک خواهد کرد...

... بهائیان در شرایط اجتماعی مختلف در سراسر جهان خاضعانه تلاش می‌کنند تا الگویی برای فعالیت و ساختارهای اداری مربوطه فراهم آورند که اصل وحدت نوع بشر و معتقدات زیربنایی این اصل را تجسم می‌بخشد. برای روشن شدن موضوع در اینجا فقط چند فقره از این اعتقادات بیان می‌گردد: روح انسانی عاری از جنسیت، نژاد، قومیت و طبقه می‌باشد و این حقیقتی است که هر نوع تعصب را غیر قابل قبول می‌نماید مخصوصاً تعصب نسبت به زنان که آنان را از پرورش استعدادهای ذاتی خود و از اشتغال پا به پای مردان در میادین گوناگون باز می‌دارد؛ ریشهٔ اصلی تعصب جهل است که به کمک فرایندهای آموزشی می‌تواند بر طرف گردد، فرایندهایی که دانش را در اختیار تمامی نوع بشر قرار می‌دهد و آن را کالایی منحصر به اقلیتی مرقه نمی‌داند؛ علم و دین دو نظام مکمل دانش و عمل‌اند که انسان از طریق آنها دنیای اطراف خود را درک می‌کند و به وسیلهٔ آنها تمدن را به پیش می‌برد؛ دین بدون علم به سرعت به سطح خرافات و تعصبات تنزل می‌یابد و علم بدون دین به ایزاری برای مادی‌گرایی خشک تبدیل می‌گردد؛ مادام که مصرف‌گرایی به منزلهٔ افیون روح انسان عمل می‌نماید دسترسی به رفاه واقعی که ثمرهٔ انسجامی پویا بین نیازهای مادی و معنوی زندگی است روز به روز دشوارتر خواهد شد؛ عدالت که یکی از قوای روح انسان است فرد را قادر به تشخیص حقیقت از دروغ می‌سازد و جستجوی واقعیت را هدایت می‌کند، جستجویی که برای رهایی از عقاید خرافی و سنت‌های پوسیده‌ای که راه یگانگی را مسدود می‌سازند ضروری است؛ عدالت وقتی که به نحوی

صحیح در مسائل اجتماعی اعمال گردد مهم‌ترین وسیله برای ایجاد وحدت و یگانگی است؛ هر کسب و کاری که با روح خدمت به هم‌نوع انجام شود به منزله عبادت و ستایش خداوند است. تبدیل این قبیل آرمان‌ها به واقعیت، ایجاد تقلیب در افراد و پی‌ریزی ساختارهای اجتماعی مناسب مطمئناً کار کوچکی نیست. با این حال جامعه بهائی یک فرایند یادگیری درازمدت را که لازمه این مشروع عظیم است با جدیت تمام دنبال می‌کند، مشروعی که مشارکت تعداد فزاینده‌ای از مردم از هر طبقه و از هر گروه بشری را استقبال می‌نماید.

البته بسیاری مسائلی که این فرایند یادگیری که اکنون در جوامع مختلف بهائی در هر گوشه از جهان در جریان است باید به آنها بپردازد از جمله: گردهم‌آوری مردمانی از پیشینه‌های مختلف در محیطی دور از خطر مداوم نفاق و اختلاف، محیطی که به روح ستایش و نیایش متمایز است، ترک ذهنیت تفرقه‌اندازی را تشویق می‌کند، موازین بالاتری از وحدت فکر و عمل را ترویج می‌دهد و هم‌کاری قلبی را سبب می‌گردد؛ توان‌دهی به گروه‌های فزاینده‌ای از مردان و زنان به نحوی که از خمودت و بی‌تفاوتی به در آیند و به فعالیت‌هایی اشتغال ورزند که به پیشرفت روحانی، اجتماعی و فکری‌شان منجر می‌شود؛ اداره امور جامعه‌ای که عاری از وجود طبقه روحانیون مدعی برتری و امتیاز است؛ کمک به جوانان تا در عبور از این مرحله حساس و پرمخاطره زندگی راه خود را بیابند و توان‌مند شوند تا انرژی سرشار خود را در مسیر پیشبرد تمدن به کار برند؛ ایجاد فضایی سازنده و منسجم در محیط خانواده تا به رفاه مادی و معنوی بیانجامد، در کودکان و جوانان احساس بیگانگی نسبت به "دیگران" القا نشود و فکر بدرفتاری با "دیگران" تقویت نگردد؛ فراهم ساختن تمهیداتی برای یک فرایند مشورتی که در آن تصمیم‌گیری از افکار و آرای متنوع بهره‌مند گردد، فرایندی که در نقش اقدامی جمعی در جستجوی واقعیت و فارغ از دل‌بستگی به دیدگاه‌های شخصی، اطلاعات مبتنی بر تجارب عملی را ارج نهد، آنچه را که صرفاً یک نظر و یک رأی است به مقام واقعیت ارتقا دهد و حقیقت را وجه المصالحة توافق بین گروه‌های مخالف ذی‌نفع نسازد. برای بررسی بهتر این مسائل و موضوع‌های بی‌شمار دیگری که مسلماً پیش خواهد آمد، جامعه بهائی شیوه عمل معینی اتخاذ کرده است که ویژگی آن اقدام، بازنگری، مشورت و مطالعه‌ای است که نه تنها مراجعه مداوم به آثار امری بلکه تجزیه و تحلیل علمی الگوهای حاصله را نیز در بر می‌گیرد. سؤالاتی نیز از قبیل اینکه چگونه می‌توان یک چنین روش یادگیری در حین عمل را ادامه داد، چگونه می‌توان مشارکت تعداد فزاینده‌ای از افراد را در تولید و به کار گیری دانش مربوطه تضمین نمود، و چگونه می‌توان ساختارهایی برای استفاده سیستماتیک از تجربیات حاصله در سراسر جهان و برای ارائه و انتقال درس‌های آموخته شده طرح نمود، از جمله مسائلی است که مورد کاوش و تحقیق مستمر جامعه بهائی می‌باشد.

پیام خطاب به بهائیان ایران ۱۲ اسفند ۱۳۹۱

... تداوم بخشیدن به جهل و نادانی از غم‌انگیزترین انواع جور و ستم است و موجب استحکام و ابقای تعصبات گوناگون می‌گردد، تعصباتی که مانعی در راه تأسیس وحدت عالم انسانی است، وحدتی که در عین حال هم هدف و هم اصل اجرایی امر حضرت بهاء‌الله می‌باشد. دسترسی به دانش حق هر یک از افراد بشر است و مشارکت در ایجاد، به

کارگیری و انتشار آن مسئولیتی است که هر فردی بر حسب استعداد و توانایی خود باید به جهت شرکت در مشروع عظیم بنای یک تمدن جهانی بر عهده گیرد. عدالت مشارکت عمومی را ایجاب می‌نماید... .

... بی‌ارادگی و بی‌تفاوتی مولود فشارهای اجتماع امروزی است. اشتیاق به تفریح و سرگرمی از کودکی با کارایی روزافزون تقویت می‌شود و نسل‌هایی تربیت می‌گردند که با میل و رضا از هر کس که در برانگیختن احساسات سطحی مهارت دارد پیروی می‌کنند. حتی در بسیاری از نظام‌های آموزشی، با محصلین طوری رفتار می‌شود که گویا ظرفی تهی برای دریافت اطلاعات هستند... .

پیام خطاب به بهائیان سراسر عالم اردیبهشت ۱۳۸۹